The Right to Education of Children with Need of Mental Rehabilitation in International Human Rights Documents and Iranian Law

Hoda Sadat Paran[1],
Mohammad Ali Pourmottaghi[2]

Abstract

The right to education, as a human right, is one of the most important rights defined in international and domestic instruments for all human beings and is mentioned in international documents such as the Universal Declaration of Human Rights and Iran's domestic law, such as the Constitution. One of the most sensitive groups entitled to education are intellectually disabled children, who may face obstacles in achieving their rights for various reasons. It is certain that disability should not prevent children from having this important human right, but unfortunately, in practice, we are witnessing challenges and problems in the international and domestic spheres that prevent the timely and appropriate education of intellectually disabled children. One of the most important problems in this regard is the absence of required laws and, consequently, the executive deficiencies in the internal system to fully support and ensure the right to education for children with mental disabilities. Therefore, it is necessary for the legislator to pay special attention to this issue, considering the special situation of children with need of mental rehabilitation.

Keywords

Children's Rights, Intellectually Disabled Children, Right to Education, Absence of Required Laws

---

1. Master of Human Rights, Faculty of Law, Mofid University, Qom, Iran. (Corresponding author)
Email: paran.hoda@gmail.com

2. Level four of Seminary, Islamic jurisprudence and principles, Islamic Seminary of Qom, Qom, Iran.

Original Article Received: 2 Aug 2020 Accepted: 30 Nov 2020

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

Please cite this article as: Sadat Paran H, Pourmottaghi MA. The Right to Education of Children with need of Mental Rehabilitation in International Human Rights Documents and Iranian Law. Child Rights J 2020; 2(7): 79-103.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

حق بر آموزش کودکان توان‌خواه ذهنی

از منظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

هدی سادات پرن[۱]

محمد علی پورمتقی[۲]

چکیده

حق بر آموزش، به عنوان یک حق بشری، از مهم‌ترین حقوق مصرح در اسناد بین‌المللی و داخلی برای همه انسان‌ها می‌باشد و در اسناد بین‌المللی هم چون اعلامیه جهانی حقوق بشر و قوانین داخلی ایران مانند قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته است. از حساس‌ترین طیف‌های برخوردار از حق بر آموزش، کودکان توان‌خواه ذهنی هستند که زمینه‌ها و دلایل مختلفی ممکن است آنان را در رسیدن به حق خود با موانعی مواجه نماید. مسلم است که کم‌توانی نباید مانع برخورداری کودکان از این حق مهم بشری گردد؛ اما متاسفانه در عمل ما شاهد چالش‌ها و مشکلاتی در حوزه بین‌المللی و داخلی در ایران که مانع تحصیل و آموزش به موقع و مناسب کودکان توان‌خواه ذهنی می‌باشند، هستیم. از مهمترین مشکلات در این رابطه، خلأ قانونی و به تبع آن کاستی‌ها و نواقص اجرایی در نظام داخلی برای حمایت و تأمین همه جانبه حق بر آموزش در مورد کودکان توان‌خواه ذهنی است. در این رابطه لازم است، قانون‌گذار با توجه به وضعیت خاص کودکان توان‌خواه ذهنی، به این موضوع توجه ویژه‌ای مبذول دارد.

واژگان کلیدی

حقوق کودک، کودکان توان‌خواه ذهنی، حق بر آموزش، خلأ قانونی.

---

۱. کارشناس ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: paran.hoda@gmail.com

۲. سطح چهار حوزه علمیه، فقه و اصول، حوزه علمیه قم، قم، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی **تاریخ دریافت مقاله:** ۱۳۹۹/۰۵/۱۲ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

مقدمه

برخورداری کودکان توان‌خواه ذهنی از حقوق بشر امری بدیهی و پذیرفته است. یکی از مصادیق این حقوق، حق بر آموزش بوده که این حق از حقوق مهم و پایه هر انسانی محسوب می‌شود؛ در حالی که تعدادی از کودکان توان خواه ذهنی به علت کم-توانی در عملکرد ذهن‌شان، به مدرسه فرستاده نشده و آموزش‌های لازم را نمی‌بینند. «منظور از عقب ماندگی ذهنی سطحی از عملکرد هوش عمومی است که میزان آن به مقدار زیاد از حد متوسط کم‌تر بوده به طوری که منجر به نقایصی در رفتار سازشی فرد گردیده و در جریان رشد، خود را نشان می‌دهد و برای تعیین سطح عقب‌ماندگی از بهره‌هوشی و مهارت‌های سازشی استفاده می‌شود» (۱).

اسناد بین‌المللی حقوق بشر در موارد مختلف به طور صریح یا ضمنی مساله حق بر آموزش را شناسایی کرده‌اند، که از آن جمله است: میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۲۳ کنوانسیون حقوق کودک و ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق معلولین. هم‌چنین در اسناد داخلی نیز در اصل ۳۰ قانون اساسی به حق بر آموزش اشاره شده است و با توجه به روح حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصول ۱۹-۲۰، نباید مانعی برای برخورداری کودکان توان خواه ذهنی از این حق مهم وجود داشته باشد.

این مقاله در راستای پاسخ به این سؤال تدوین شده است که حق بر آموزش کودکان توان خواه ذهنی در نظام بین‌الملل حقوق بشر و ایران، چگونه تکوین یافته است.

حق بر آموزش کودکان توان‌خواه ذهنی در اسناد بین‌المللی

سابقه توجه به افراد توان‌خواه در حوزه بین‌المللی، به اعلامیه جهانی حقوق بشر که توسط مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۴۸ تصویب شد، برمی‌گردد. بند ۱ از ماده ۲۶ این سند، اعلام می‌دارد: هر کس حق دارد که از آموزش بهره‌مند شود. آموزش

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و پایه است باید رایگان باشد (۲). همچنین اعلامیه جهانی حقوق کودک در سال۱۹۵۹ مصوب مجمع عمومی در ماده پنج خود، خواستار اهتمام خاصی در جهت آموزش کودکان توان‌خواه جسمی، ذهنی شده است. ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ به حق بر آموزش به صورت اجباری برای همگان پرداخته است. در این ماده مقرر شده: «... کشورهای طرف این میثاق اذعان دارند که به منظور استیفای این حق:

الف. آموزش و پرورش ابتدایی باید اجباری و رایگان در دسترس عموم قرار گیرد.

ب. آموزش و پرورش متوسطه به اشکال مختلف آن از جمله آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای متوسطه باید تعمیم یابد و به کلیه وسایل مقتضی به ویژه وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی در دسترس عموم قرار گیرد.

ج. آموزش و پرورش عالی باید به کلیه وسایل مقتضی به ویژه معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی به تساوی کامل براساس استعداد هر کس در دسترس عموم قرار گیرد.

ه. توسعه شبکه مدارس در کلیه مدارج باید فعالانه دنبال شود و...»

این اصل شاید مهم‌ترین قاعده‌سازی مرتبط با حق بر آموزش در اسناد بین‌المللی باشد (۳).

هم‌چنین ماده ۱۴ این میثاق از الزام دولت‌ها در جهت اجرای آموزش رایگان برای همه سخن گفته است. در۲۰ دسامبر سال ۱۹۷۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه حقوق کم‌توانی ذهنی را تصویب کرد که در آن حقوقی برای کودکان کم‌توان ذهنی و تکالیفی برای دولت مقرر گردیده است (۴). در ماده ۱ اعلامیه به برخورداری این افراد از حقوق مشابه افراد سالم صحبت شده است و در ماده ۳ به امنیت اقتصادی و داشتن و انجام یک حرفه پرداخته است. در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ اعلامیه حقوق معلولین توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد که در مقدمه آن به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین اشاره کرده است تا از این طریق یک مبنا برای حمایت از توان‌خواهان محسوب شود (۵). ماده ۲۳ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ نیز

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

به حقوق توان‌خواهان توجه ویژه‌ای کرده که در بند۲ آن خواستار حمایت دولت در جهت حضور این افراد در جامعه و رشد فردی آنان از طریق ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی، توانبخشی و... می‌باشد. این ماده صرفاً در جهت تحکیم حقوقی است که در اسناد بین‌المللی در مورد توان‌خواهان به رسمیت شناخته شده است؛ علاوه بر این لحن این ماده بیشتر جنبه سفارش و توصیه دارد، پس برای اعضا کنوانسیون الزام‌آور نخواهد بود (۶). ماده ۳۹ این کنوانسیون نیز به وظیفه دولت در تضمین حمایت ویژه از کودکان (در تفسیری گسترده شامل کودکان با اختلالات یادگیری) اشاره می‌کند.

هم چنین در ماده ۲۸، دولت‌ها را به فراهم آوردن شرایط ذیل ملزم می‌دارد: «الف. اجباری و رایگان نمودن تحصیلات ابتدایی برای همگان؛ ب. تشویق توسعه اشکال مختلف آموزشی متوسطه و...». کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در تفسیر شماره ۱۱ در سال ۱۹۹۹ که در ارتباط با برنامه‌های عمل برای آموزش ابتدایی بود، اجباری بودن را این چنین تعریف می‌کند: « عنصر اجباری این واقعیت را برجسته می-کند که نه والدین نه سرپرستان و نه دولت حق ندارند تصمیم در زمینه دسترسی کودک به آموزش ابتدایی را اختیاری تلقی کنند».

همچنین کمیته، طی توصیه‌نامه عمومی شماره ۵ از حقوق توان‌خواهان حمایت کرده است. کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به موجب این توصیه‌نامه موظف به نظارت بر اجرای تعهدات دولت در جهت برخورداری توان خواهان از حقوق‌شان شد و کمیته به این نتیجه رسید که باید فعالیت‌هایی در جهت مشارکت کامل و برابر توان خواهان صورت گیرد که در غیر این صورت آنان به حاشیه رانده خواهند شد (۷). در این تفسیر همچنین از آموزش رایگان بطور روشن تعریف نموده است (۸) بدین ترتیب بیان می‌دارد که آموزش ابتدایی رایگان باید در دسترس کودک و والدین (سرپرستان)، قرار گیرد. هزینه‌هایی که دولت یا مدرسه‌ها تحمیل می‌کنند اثر قهقرایی دارد که شامل مواردی همچون: الزام به پوشیدن لباس متحدالشکل نسبتاً گران قیمت و ... می‌باشد.

در نهایت در سال ۲۰۰۶ کنوانسیون حقوق معلولین از سوی جامعه بین‌المللی تصویب شد. تصویب این کنوانسیون شروعی برای پایان‌دادن به رویکردهای ترحم محورانه

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

و حرکت به سمت رویکرد حق مدارانه می باشد (۹). در این سند افراد توان خواه نیازمند ترحم نیستند بلکه دارای حق می‌باشند و دولت، متعهد در برابر آنان است (۱۰).

براساس ماده ۲۴ این کنوانسیون:

«۱. دولت‌های عضو، حق آموزش را در خصوص افراد دارای معلولیت به رسمیت می‌شناسند. با هدف تحقق این حق، بدون تبعیض و بر مبنای فرصت برابر، دولت‌های عضو نظام آموزشی فراگیری را در تمامی سطوح و به صورت آموزش مادام‌العمر تضمین می‌نمایند؛ با هدف: الف. توسعه کامل توانایی‌های انسانی و حس منزلت و خود ارزشی و تحکیم احترام به حقوق بشر، آزادی های بنیادین و تنوع انسانی؛ ب. توسعه شخصیت، استعداد، خلاقیت توام با توانایی‌های جسمی و ذهنی افراد دارای معلولیت در جهت نهایت توانمندی‌هایشان؛ پ. توانمند ساختن افراد دارای معلولیت جهت مشارکت مؤثر آنان در جامعه آزاد.

۲. در تحقق این حق، دولت‌های عضو تضمین می‌نمایند که:

الف. افراد دارای معلولیت از نظام آموزش همگانی بر مبانی معلولیت مستثنی نمی‌گردند، و به همین منوال کودکان دارای معلولیت از آموزش اجباری رایگان ابتدایی و یا متوسطه بر مبنای معلولیت مستثنی نمی‌گردند.

ب. افراد دارای معلولیت می‌توانند به آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان، با کیفیت، و فراگیر بر مبنای برابر با سایرین در جوامعی که در آن زندگی می‌نمایند، دسترسی داشته باشند.

پ. انطباق منطقی در مورد نیازهای فردی ارائه می‌گردد.

ت. افراد دارای معلولیت حمایت لازم در حوزه نظام آموزش همگانی را به منظور تسهیل در آموزش مؤثر آنها دریافت می‌نمایند.

ث. تدابیر حمایتی فردی مؤثر در محیط‌هایی ارائه می‌گردد که حداکثر توسعه اجتماعی و اقتصادی متناسب با اهداف حضور کامل را سبب گردد» ... .

کنوانسیون حقوق معلولین دارای پروتکل الحاقی نیز هست که این پروتکل به افراد توان‌خواه امکان شکایت و دادخواهی به یک سازمان تخصصی بین‌المللی را می‌دهد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

در این پروتکل دو روش برای اجرای کنوانسیون مشخص شده است:

۱- افراد می‌توانند درصورت نقض حقوق‌شان یا نقض تعهدات ناشی از کنوانسیون توسط دولت متبوع به کمیته حقوق معلولین به صورت فردی شکایت کنند. پس، فرد ابتدا از طریق ملی اقدام نموده سپس درصورت عدم موفقیت می‌تواند به کمیته مراجعه کند. گرچه کمیته مقام قضایی نبوده پس رأی آن الزام‌آور نمی‌باشد.

۲- کمیته صلاحیت دارد که درصورت اطلاع از نقض آشکار حقوق بشر توسط دولتی، از آن دولت جهت ارائه توضیحات دعوت کند یا گروهی از دول عضو تشکیل و به بررسی موضوع بپردازند. سپس کمیته توصیه خود را به همراه نتایج تحقیقات به دولت منظور فرستاده و آنان موظف به ارائه پاسخ ظرف ۶ ماه می‌باشند.

اهداف توسعه پایدار (SDG) که در اجلاس ریو به علاوه ۲۰ (Rio+20) در سال ۲۰۱۲ در برزیل مطرح شد، در واقع جایگزین اهداف توسعه هزاره (MDG) مصوب سال ۲۰۰۰ در نیویورک می‌باشد تا ملاک و معیاری برای سنجش فعالیت‌های بشر به طور عام و فعالیت‌های دول کشورها به طور خاص در جهت توسعه پایدار در چند سال آینده باشد. به منظور تدوین شاخص‌های توسعه پایدار، جلسات متعددی با حضور صاحب‌نظران از همه کشورها برگزار شد که در نهایت با تدوین شاخص‌های توسعه پایدار، دولت‌ها موظف شدند که پس از تصویب آن، گزارش‌های کشوری و ملی خود را بر مبنای این اهداف، تهیه و تقدیم مجامع بین‌المللی کنند (۱۱).

هدف چهارم از اهداف توسعه پایدار در ارتباط با کیفیت آموزش برای همه افراد بوده و بند پنجم این هدف به افراد توان‌خواه ذهنی نیز به طور خاص توجه کرده است. هدف چهارم عبارتست از:

«فراهم‌سازی آموزش فراگیر و با کیفیت مساوی و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همگان:

۱- ایجاد تحصیلات ابتدایی و متوسطه کاملاً رایگان، برابر و با کیفیت برای تمامی دختران و پسران تا سال ۲۰۳۰ به نحوی که منجر به یادگیری پیوسته و مؤثر شود.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

۲- ایجاد دسترسی برابر به امکانات رشد مناسب در دوران کودکی، خدمات و آموزش پیش دبستانی برای تمامی دختران و پسران تا سال ۲۰۳۰ با هدف آماده سازی آن‌ها برای تحصیلات ابتدایی

۳- ایجاد دسترسی برابر به آموزش فنی، کار و دانش و دانشگاهی، از جمله حضور در دانشگاه‌ها برای تمامی زنان و مردان تا سال ۲۰۳۰

۴- افزایش چشمگیر شمار جوانان و بزرگسالان دارای مهارت‌های مرتبط از جمله مهارت‌های فنی و کار و دانش جهت اشتغال، داشتن شغل شایسته و کارآفرینی تا سال ۲۰۳۰

۵- برطرف‌سازی تبعیض جنسیتی در آموزش و ایجاد دسترسی برابر به تمامی سطوح آموزش و آموزش فنی و حرفه‌ای برای قشر آسیب‌پذیر از جمله افراد دارای معلولیت، افراد بومی و کودکان ساکن در موقعیت‌های آسیب پذیر تا سال ۲۰۳۰

۶- فراهم‌سازی امکانات سوادآموزی و حساب‌آموزی برای تمامی جوانان و نسبت قابل توجهی از بزرگسالان، زنان و مردان تا سال ۲۰۳۰

۷- فراهم‌سازی مقدمات کافی جهت یادگیری دانش و مهارت‌های لازم جهت ارتقاء توسعه پایدار از جمله از طریق آموزش توسعه پایدار و سبک‌های زندگی پایدار، حقوق بشر، تساوی جنسی، ارتقاء فرهنگ صلح دوستی و عدم خشونت، شهروند جهانی و درک تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگ‌ها در توسعه پایدار برای تمامی فراگیران تا سال ۲۰۳۰

الف- ساخت و ارتقاء امکانات آموزشی که توجه ویژه‌ای به کودکان، معلولین و جنسیت داشته و فراهم‌سازی محیط‌های آموزشی سالم و دور از خشونت، فراگیر و مؤثر برای همگان

ب- گسترش چشمگیر شمار بورس‌های تحصیلی در سطح جهانی برای کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته، جزایر کوچک در حال توسعه، کشورهای آفریقایی جهت ثبت نام در آموزش عالی از جمله آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و فناوری اطلاعات و ارتباطات، برنامه‌های فنی و مهندسی در کشورهای توسعه یافته و دیگر کشورهای درحال توسعه تا سال ۲۰۳۰

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

ج- افزایش چشمگیر تربیت معلمان واجد شرایط از جمله از طریق همکاری‌های بین‌المللی جهت تربیت معلمان در کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته و جزایر کوچک در حال توسعه تا سال ۲۰۳۰»

در سال ۲۰۱۸ دانشگاه La Punta از طرف سازمان ملل متحد به عنوان مرکز هدف ۴ انتخاب شد. این دانشگاه معتقد است که آموزش باید بین رشته‌ای و فراگیر باشد؛ ضمن اینکه به آداب و رسوم محلی احترام گذاشته می‌شود. این نهاد، آموزش را مهم‌ترین مسئله در برنامه ۲۰۳۰ توسعه پایدار می‌داند زیرا به طور مستقیم بر پیشرفت دیگر اهداف در همه سطوح جامعه به ویژه افراد آسیب پذیر تاثیر می‌گذارد. این دانشگاه با کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد همکاری کرده است و امکان یادگیری زبان اسپانیایی را برای آنان فراهم می‌کند. هم چنین این دانشگاه معتقد است که بیش از نیمی از کودکان جهان از حداقل معیارهای مهارت در خواندن و ریاضیات پیروی نمی‌کنند پس تلاش‌هایی برای بهبود کیفیت آموزش مورد نیاز است و علاوه بر این تبعیض‌ها در آموزش و پرورش براساس جنسیت، موقعیت شهری و روستایی هنوز وجود داشته و ما نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتر در زیرساخت‌های آموزش و پرورش داریم (۱۲).

در مجموع باید اذعان داشت که آموزش یک حق اساسی بشر و واجد وصف غیرقابل تغییر می‌باشد. در معاهدات مختلف بر این حق تاکید شده و مهم‌ترین آن، کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل است، که پایه و اساس کار یونیسف نیز می‌باشد. آموزش و پرورش به بسیاری از اهداف کمک کرده و باعث کاهش فقر نیز می‌شود. هم چنین آموزش می‌تواند به جلوگیری از بی‌عدالتی، محافظت از زنان و کودکان نیز کمک کند. منافع اقتصادی و اجتماعی آموزش به نتیجه آن بستگی خواهد داشت. در سال ۲۰۳۰، حدود ۶۳ درصد از کودکان جهان با درآمد کم زندگی می‌کنند به طوری که جمعیت سن مدرسه در آفریقا ۴۳ درصد و این جمعیت در کشورهای با اقتصاد پر درآمد ۲۰ درصد خواهد بود. از سال ۲۰۰۰ بیش از ۷۵ میلیون کودک در پیش دبستانی، بیش از ۸۹ میلیون در ابتدایی و بیش از ۱۳۸ میلیون در متوسطه ثبت نام کرده‌اند. برای دستیابی به آموزش فراگیر در سال ۲۰۳۰ به بعد، کشورها باید ۵/۷ برابر ثبت نام داشته

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

باشند. در حال حاضر، تعداد کودکانی که به آموزش دسترسی دارند، ۱ در ۵ بوده و چالش عدم دسترسی به آموزش در آفریقا بالاترین می‌باشد. در سال ۲۰۱۶، بیش از ۷۵ میلیون کودک ۳ تا ۱۸ سال وجود داشته که نیاز فوری به حمایت آموزشی داشتند. ۵۰ درصد از کودکان پناهنده به آموزش ابتدایی و ۲۲ درصد از نوجوانان آنان به آموزش متوسطه دسترسی داشتند. کمبود ضرورت آموزشی و کاهش تقاضا به دلیل نابودی خانواده، به پائین بودن تعداد ثبت نام کنندگان کمک می‌کند. تا سال ۲۰۳۰، بیش از ۸۰ درصد از فقیران در شرایط متأثر از جنگ زندگی خواهند کرد و دختران متضرر ۲/۵ برابر از پسران، جمعیت بیشتری دارند. در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ بیشترین میزان خشونت ثبت شده است. بیش از ۱۲۷۰۰ حمله ثبت شده و بیش از ۲۱۰۰۰ دانش آموز و معلم در ۷۰ کشور آسیب دیده‌اند. هزینه آموزشی یونیسف در سال ۲۰۱۸، ۱/۲ میلیارد دلار بوده که در مقایسه با ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ افزایش یافته است. استراتژی یونیسف این است که هر کودکی می‌آموزد. به بیان بهتر، بهبود یادگیری و مهارت برای پسران و دختران از اوایل کودکی تا بزرگسالی به ویژه برای افراد حاشیه نشین و افرادی که تحت تاثیر مسائل بشردوستانه هستند، کانون توجه می‌باشد. به این استراتژی از طریق استفاده از منابع، تعهد و فداکاری حرفه‌ای می‌توان دست یافت (۱۳).

زیربنای این استراتژی پنج برنامه است:

۱- تحقق حقوق همه کودکان

۲- تحقق برابری از طریق تمرکز بر جنسیت و افراد محروم مثل کودکان و دختران فقیر، اقلیت‌ها، کودکان توان‌خواه (فقط ۵۰ درصد از کودکان توان‌خواه در کشورهای درحال توسعه به مدرسه می‌روند)

۳- برنامه نویسی و پاسخگویی

۴- رسیدگی به موانع مالی خانواده

۵- کار (و هماهنگی) با سایر بخش‌ها مثل بهداشت، سیاست‌های اجتماعی و استفاده از مدارس به عنوان بستر خدمات یکپارچه.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

مشکلات آموزش کودکان کم‌توان ذهنی

کودکان توان‌خواه ذهنی به سه دسته خفیف، متوسط و عمیق تقسیم می‌شوند. دانش‌آموزان با درجه شدید یا عمیق در مدارس کمتر مشاهده می‌شوند و این به علت این است که:

۱. خانواده این افراد ترس از سرزنش و قضاوت دیگران دارند یا با امکانات آموزشی آشنایی ندارند. پس به همین علت از فرستادن کودک توان‌خواه خود به مدرسه ممانعت می‌ورزند.

۲. گاهی خانواده‌ها ممکن است کودک توان‌خواه خود را به مدرسه عادی بفرستند ولی پس از مدتی کودک سرخورده و ناموفق یا از مدرسه اخراج شود یا خود کودک تمایلی به ادامه نداشته باشد. کودکان توان‌خواه ممکن است در ابتدا با تشخیص کارشناسان به مدارس خاص فرستاده شوند و یا گاهی پس از یک یا دو سال تحصیل در مدارس عادی و عدم موفقیت در آن ها به مدارس ویژه روانه شوند (۱۴).

در واقع چالش اصلی برای آموزش کودک توان خواه ذهنی مربوط به نداشتن بودجه کافی، فقدان سیستم مشترک و عدم اراده سیاسی که مستقیم در تخصیص منابع منعکس شود، عنوان شده است. پس برای تحقق آموزش فراگیر ما نیازمندیم که دولت-ها به طور دقیق و رسمی مراحل آموزش را تعریف کنند (۱۵). در ادامه مشکلات آموزشی کودکان توان‌خواه ذهنی بررسی می‌شود.

۱- عدم پاسخ برنامه درسی به نیازهای کودک توان‌خواه

یکی از مشکلات کودک توان‌خواه، برنامه درسی و آموزش آنان است. برای پاسخ به نیازهای متنوع همه کودکان در آموزش و پرورش باید رویکردهای انعطاف پذیر داشته باشیم. جایی که برنامه درسی سخت وجود دارد، کودک توان‌خواه بیشتر از سایر کودکان در خطر طرد شدن قرار می‌گیرد. سیستم‌های ارزیابی بیشتر ناظر بر عملکرد تحصیلی متمرکز می‌شود تا پیشرفت فردی. پس وقتی والدین در مورد کیفیت آموزشی مطمئن نباشند، مانع مدرسه رفتن کودک خود نیز می‌شوند (۱۶).

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

۲- آموزش و حمایت ناکافی

معلم ممکن است برای حمایت از کودک توان‌خواه ذهنی، وقت و منابع کافی نداشته باشد زیرا با توجه به تعداد این کودکان و لزوم رسیدگی به آن‌ها، کلاس‌هایشان به شدت شلوغ بوده و معلمین آموزش دیده که قادر به رسیدگی به نیازهای کودک توان‌خواه باشد، بسیار کم است (۱۷).

۳- فقدان فرصت اشتغال افراد توان‌خواه

یکی از موانع مهم در عدم تحصیل کودکان توان‌خواه این است که خانواده آنان معتقدند که پس از اتمام تحصیل این کودکان، کسی حاضر به همکاری شغلی و استخدام آنان نمی‌شود. به درستی که ما نمی‌توانیم توان‌خواه ذهنی را بدون هیچ کمک و حمایتی از مدرسه مرخص کنیم بلکه نهاد آموزش و توانبخشی یک رکن اصلی در حمایت از این افراد از طرق ذیل می‌باشد:

۱- ایجاد برنامه‌های خدماتی گسترده بطوری که نیازهای حمایتی توان‌خواهان ذهنی را در موقعیت‌های اجتماعی و استخدامی برآورده سازد.

۲- ایجاد هماهنگی بین موسسات آموزشی و اجتماعی برای ارائه خدمات به فارغ التحصیلان توان‌خواه ذهنی.

فارغ‌التحصیلان توان‌خواه ذهنی می‌توانند در مشاغلی هم چون هل دادن صندلی توان‌خواهان جسمی، ارائه کمک برای پیران و درماندگان در مکان‌های مراقبتی، در سرویس غذا برای توان‌خواهانی که در منزل نگهداری می‌شوند، در ارائه خدمات تفریحی برای کودکان توان‌خواه کمک کرده و مشغول فعالیت شوند (۱۸). اسمیت در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که هیچ زمینه شغلی نیست که افراد توان‌خواه ذهنی نتوانند در آن حاضر شوند. هم چنین بیان می‌کند که افراد توان‌خواه ذهنی در مشاغلی که در آن نوعی جریان عادی حاکم است و قدرت و مهارت جسمی ساده لازم دارد، را می‌توانند انجام دهند (۱۹). پس در آموزش به توان‌خواهان ذهنی باید بر مواردی تاکید شود که دانش‌آموز کم‌توان ذهنی به تنهایی و بدون حضور مربی خود

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

قادر به انجام آن باشد و آموزش کارهایی که بخش عمده آن را مربی یا به کمک مربی انجام می‌شود، نمی‌تواند اولویت آموزشی برای کودکان کم‌توان ذهنی محسوب شود.

۴- نگرش منفی جامعه

یکی از عمده مشکلات عدم ورود توان‌خواهان ذهنی به اجتماع، نگرش‌های منفی نسبت به این افراد و توانائی‌هایشان است. زیرا هنوز این تصور اشتباه در جامعه حاکم است که این افراد قادر به انجام ابتدایی‌ترین امور روزمره خود نیستند درحالی که طبق تحقیقات ثابت شده است که برای موفقیت هر برنامه‌ای نیاز به پذیرش و نگرش مثبت جامعه نسبت به آن امر هستیم. در سال ۲۰۱۶ مطالعه‌ای در ارتباط با تاثیر ناتوانی در حضور این دسته از کودکان در مدارس توسط Mizunoya و همکارانش انجام شد. این مطالعات نشان داد که بیش از ۸۵ درصد از کودکان توان‌خواه ابتدایی هرگز به مدرسه نرفته اند (۲۰).

گزارشگر ویژه آموزش در ارتباط با آموزش کودکان توان‌خواه در سال ۲۰۰۶، گزارشی را ارائه کرده است که در آن مشکلات و موانع آموزش توان‌خواهان را این چنین بیان می‌کند:

نگرش منفی موجود نسبت به توان‌خواهان، بی‌توجهی نسبت به نیازهای خاص زنان توان‌خواه، مهارت ناکافی معلمان و مدیران، غیرقابل دسترس بودن آموزش، محدودیت منابع درسی، عدم توجه کافی به نیازهای تحصیلی دانش آموزان توان‌خواه.

۵- مشکلات اقتصادی

از دیگر مشکلات توان‌خواهان ذهنی، محیط فرهنگی و خانوادگی این افراد است که معمولاً دارای خانواده‌هایی با مشکلات اقتصادی و... هستند (۲۱) مطالعات نشان داده که سطح پایین اشتغال خانواده، درآمد و وضعیت اقتصادی والدین با پیشرفت‌های آموزشی کودکان مرتبط هستند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

۶- خلأ قانونی

از آن جایی که آموزش، مقدمه برخورداری افراد از سایر حقوق می‌باشد پس این حق از حقوق مهم برای همه افراد به شمار می‌آید و کودکان توان‌خواه ذهنی از این قاعده مستثنی نیستند ولی متأسفانه تا به امروز سندی در خصوص حق بر آموزش کودکان توان‌خواه ذهنی تصویب نشده است. گرچه کنوانسیون حقوق معلولین تلاش زیادی برای احقاق تمام حقوق توان‌خواهان کرده است؛ مانند بند ۳ از ماده ۲۴ کنوانسیون که از حقوق توان‌خواهان در ارتباط با لزوم وجود تدابیر ویژه در آموزش و پرورش آنان سخن گفته است، لیکن این تدابیر نوعاً برای توان‌خواهان جسمی کاربرد دارد؛ و به رغم این‌که با توجه به قسمت پایانی بند ۳ از ماده ۲۴ کنوانسیون، این تدابیر تمثیلی هستند ولی متأسفانه مبین تکلیف دولت به اجرای آموزش ویژه و حرفه‌ای برای کودکان توان خواه ذهنی نمی‌باشد. هم چنین کنوانسیون حقوق کودک نیز با همه تلاشی که برای احقاق حقوق تمامی کودکان چه ناتوان و چه عادی، کرده است، اما منجر به حمایت کافی از آنان نشده است؛ زیرا الف- کشورهای عضو را در صورت داشتن امکانات، ملزم به حمایت از کودکان کرده؛ ب- نحوه بیان ماده ۲۳، بیشتر جنبه توصیه داشته و نه یک تعهد (۲۲).

علاوه بر لزوم تضمین حق بر آموزش کودکان توان‌خواه ذهنی، هم چنین لازم است که قواعد حقوقی، حمایت از آموزش ویژه و حرفه‌ای این کودکان را تضمین نمایند. اکثر کشورهای دنیا از نظر قانونی، موظف هستند که آموزش فراگیر را به عنوان نتیجه بیانیه سالامانکا (یونسکو۱۹۹۴) ایجاد کرده و همچنین این که ۱۶۲ کشور، کنوانسیون حقوق توان‌خواهان (۲۰۰۶) را نیز امضا کرده‌اند، که آن نیز تاکید بر آموزش فراگیر برای همه دارد. اما متأسفانه در زمان کنونی بعد از گذشت ۲۰ سال از سالامانکا، در اکثر کشورها، برای آموزش فراگیر این کودکان، قانون‌گذاری نداریم (۲۳).

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

۷- سلامت جنسی توان‌خواهان ذهنی و چالش‌های آموزشی

از آن جایی که کودک توان‌خواه ذهنی مانند سایر افراد جامعه توانایی حفاظت از خود را ندارد و ممکن است در مدرسه توسط سایر دانش‌آموزان یا برخی از کادر مدرسه مورد آزار بدنی و یا جنسی قرار گیرد، از این رو خانواده امن‌ترین مکان برای کودک را منزل خود دانسته و برای حفاظت از آن، مانع آموزش و مدرسه رفتن کودک توان‌خواه ذهنی خود می‌شود. بسیاری از جوانان توان‌خواه، اطلاعات اولیه درباره رشد بدن و تغییر بدن هم ندارند. به ندرت بحث سلامت جنسی، تولید مثل جزء برنامه درسی توان-خواهان قرار می‌گیرد. پس در واقع به کودکان توان‌خواه، سکوت و مطیع بودن، آموزش داده می‌شود و در نتیجه تعداد زیادی از توان‌خواهان مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند (۲۴). یک بررسی در نروژ نشان می‌دهد که دختران دو برابر پسران مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند و همچنین پسران توان‌خواه نیز سه برابر پسران عادی در معرض سوءاستفاده جنسی هستند (۲۵).

برای رفع این مشکل باید این کودکان، خانواده آن‌ها و همچنین مربی و کادر اجرایی مدرسه در جهت حفاظت کودک توان‌خواه ذهنی از آزار جنسی آموزش ببینند. در ارتباط با آموزش مسائل جنسی به کودکان توان‌خواه ذهنی کمیته کنوانسیون حقوق کودک تاکید می‌کند که کشورها باید از قابل دسترس بودن خدمات و امکانات بهداشتی مطمئن شوند؛ زیرا این امکانات، اعتماد به نفس و مشارکت فعال زنان را ارتقا می‌بخشد. اطلاعات و آموزش‌های بهداشت و سلامت قابل دسترس مثل اطلاعات مربوط به قرص-های ضد بارداری، جنبه مهمی از حق بر سلامت هستند. کمیته بیان می‌کند که آموزش‌های جنسی، باید در خارج از مدرسه و در دسترس همه زنان و جوانان قرار گیرد. خدمات بهداشتی که به افراد عادی ارائه می‌گردد، باید با همان کیفیت نیز در دسترس افراد توان‌خواه قرار گیرد مثل خدمات درمانی رایگان و به صرفه. پس بطور کلی باید گفت که زنان توان‌خواه باید بتوانند از استقلال در تولید مثل و داشتن حق بدون اجبار و خشونت و تصمیم‌گیری در مورد بهداشت بارداری لذت ببرند. دولت‌ها موظف به احترام، محافظت و تحقق سلامت جنسی و تولید مثل هستند (۲۶). همچنین

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

کمیته حقوق معلولین در نظر شماره ۳ نیز بیان می‌دارد که کشورها باید قوانین و سیاست‌هایی که بطور مستقیم و غیرمستقیم برای دختران توان‌خواه، تبعیض قائل شود را لغو کنند مثل اینکه به آنان اجازه ازدواج داده نمی‌شود یا نمی‌توانند تعداد و فاصله بین فرزندان‌شان را تعیین کنند؛ این کشورها، موظف به محافظت از حقوق و سلامت جنسی و تولید مثل دختران توان‌خواه در برابر مداخلات هستند.

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظر عمومی شماره ۲۲ بیان می‌کند که کشورها موظف به اطمینان از دسترسی کامل نوجوانان و جوانان به اطلاعات مناسب درمورد سلامت جنسی، تولید مثل مانند پیشگیری از بارداری، خطرات ناشی از بارداری زودرس، پیشگیری و درمان بیماری‌های منتقل شده از طریق مقاربت جنسی صرف نظر از وضعیت تأهل آنان بوده و والدین باید به حریم خصوصی آنان احترام گذارند. کمیته کنوانسیون حقوق معلولین نیز در نظر عمومی شماره ۳ بیان می‌دارد که باید تحقیقات و پیگرد قانونی به درستی انجام شود و متخصصان در بخش دادگستری برای تحقق عدم نقض حقوق بشر زنان توان‌خواه، آموزش مناسب ببینند.

کمیته کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظر شماره ۲۲، کشورها را موظف به از بین بردن موانع عملی و اجتماعی برای تحقق کامل حقوق و سلامت جنسی و تولید مثل مانند تعصبات و تصورات غلط جامعه و... می‌کند.

حق بر آموزش کودکان کم‌توان ذهنی در ایران

قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب سال۱۳۵۳، در ماده ۱ خود بیان می‌کند که اطفال و جوانان ایرانی که واجد شرایط تحصیل هستند، باید بتوانند بدون پرداخت هزینه‌ای تحصیل کنند و این حق غیرقابل سلب است مگر با مجوز قانونی. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل۳۰، آموزش و پرورش را تا پایان دوران متوسطه رایگان معرفی می‌کند. طبق این اصل: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». این اصل، آموزش و پرورش رایگان را حق همه ملت بیان کرده است پس قطعاً کودکان توان‌خواه ذهنی را نیز در برخواهد گرفت.

در ۱۶ اردیبهشت سال۱۳۸۳ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان به تصویب رسید. بر اساس ماده ۸ همین قانون، «معلولان نیازمند واجد شرایط در سنین مختلف می‌توانند با معرفی سازمان بهزیستی کشور از آموزش رایگان در واحدهای آموزشی تابعه وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاه‌های دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی، بهره‌مند گردند» (۲۷). در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران (ماده۸)، تحصیل تا مقطع دکتری برای توان‌خواهان رایگان می‌باشد این در حالی است که طبق کنوانسیون حقوق معلولین، حق تحصیل رایگان برای افراد توان‌خواه تا قبل از مقطع دبیرستان پیش‌بینی گردیده است. البته این حق قانونی در ایران باعث بروز مشکلاتی در تأمین اعتبار دانشگاه‌های غیردولتی توسط سازمان بهزیستی و بدهکاری آن به دانشگاه آزاد شده است.

شایان ذکر است قانون فوق در اسفند ماه ۱۳۹۶ و پس از تأیید شورای نگهبان در اردیبهشت ۱۳۹۷ با قانون حمایت از معلولان جایگزین گردید. در ماده ۹ قانون اخیر مقرر شده است: «افراد دارای معلولیت نیازمند واجد شرایط در سنین مختلف می‌توانند با معرفی سازمان از آموزش عالی رایگان در واحدهای آموزشی تابعه وزارت‌خانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاه‌های دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی و سایر مراکز آموزش عالی غیردولتی از محل ردیف مربوطه در بودجه سنواتی بهره‌مند گردند».

در پایان باید اضافه کرد، در راستای تأمین حق بر آموزش کودکان توان‌خواه، ماده واحده قانون تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنائی نیز در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۲۱ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شد. هدف از ایجاد این ماده واحده این‌چنین شرح داده می‌شود:

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

«با توجه به اهمیت و ویژگی‌های توان‌بخشی تعلیم و تربیت کودکان و دانش آموزان استثنائی اعم از نابینایان، نیمه بینایان، ناشنوایان و عقب‌ماندگان ذهنی و... به موجب این قانون موسسه دولتی به نام سازمان آموزش و پرورش استثنائی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تشکیل می‌شود...».

در ماده۲ اساسنامه سازمان مذکور چنین مقرر شده است:

«... ۱- طراحی سیستم آموزشی، پرورشی و توانبخشی به نحوی که ناتوانایی‌های ذهنی و جسمی کودکان و دانش‌آموزان استثنائی جبران گردد و این‌گونه کودکان و دانش‌آموزان بتوانند پس از گذراندن مراحل تحصیلی خود، موقعیت اجتماعی و اقتصادی مناسب شرایط خویش را به دست آورند.

۲- تغییر و اصلاح مداوم آموزش و پرورش استثنائی با توجه به روش‌های نوین آموزش و پرورش استثنائی در جهان و نیازهایی که این‌گونه کودکان و دانش‌آموزان، در ارتباط با شرایط خاص جامعه دارند.

۳- آموزش و پرورش گروه‌های مختلف کودکان و دانش‌آموزان استثنائی با توجه به نیازهای خاص هر گروه در سطوح قبل از دبستان، ابتدایی، راهنمایی و با تاکید خاص بر آموزش حرفه‌ای و تلاش برای تحت پوشش قرار دادن کلیه این‌گونه کودکان و دانش-آموزان».

مشکلات آموزش کودکان کم‌توان ذهنی در ایران

۱- خلأ قانونی

در ارتباط با آموزش کودکان توان‌خواه ذهنی متأسفانه شاهد خلأهایی می‌باشیم به رغم اینکه قوانین عام این حق را تضمین کرده‌اند. تبصره ۴ از ماده ۷ قانون جامع حمایت از توان‌خواهان مقرر می‌داشت: «سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور موظف است آموزش‌های لازم فنی و حرفه‌ای متناسب با بازار کار برای افراد توان‌خواه به صورت رایگان و تلفیقی تأمین نماید.» در ماده ۱۴ قانون حمایت از معلولان مصوب ۱۳۹۶، آمده است: «سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور مکلف است رأساً یا با جلب مشارکت

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

بخش غیردولتی، اقدام به پذیرش کارآموزان دارای معلولیت نماید و از طریق مناسب‌سازی و توسعه مراکز موجود و یا تأسیس آموزشگاه‌ها و مراکز آموزشی نسبت به ارتقای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای افراد دارای معلولیت اقدام کند و به ارائه حمایت‌های لازم و تأمین تجهیزات تخصصی مهارت‌آموزی متناسب با شرایط کارآموزان دارای معلولیت، کمک‌هزینه این افراد را پرداخت نماید. همچنین این سازمان مکلف است به منظور تأمین کیفیت و بازدهی مطلوب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای افراد دارای معلولیت، با اخذ مشاوره‌های تخصصی سازمان و سازمان آموزش و پرورش استثنائی کشور استانداردها و نظام‌نامه جامع آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای کارآموزان دارای معلولیت را ظرف مدت شش‌ماه تدوین و به مراکز موضوع این ماده ابلاغ نماید».

یکی از نقایص موجود این است که در قوانین حاضر از جمله قانون فوق از آموزش و پرورش ویژه برای توان‌خواهان ذهنی حمایت نشده است. اصطلاح معلولیت در معنای عام طیف‌های مختلف جسمی و ذهنی را با نیازها و شرایط گوناگون در بر می‌گیرد. البته در بند ۱ از ماده ۲ اساسنامه سازمان آموزش و پرورش، از لزوم طراحی و ایجاد سیستم ویژه و خاص آموزشی با در نظر گرفتن شرایط و ناتوانی‌های ذهنی و جسمی کودکان و دانش‌آموزان بطوری که این دسته از افراد به موقعیت مناسب اجتماعی و اقتصادی دسترسی پیدا کنند، سخن گفته شده است.

۲- عدم اجرای صحیح کنوانسیون حقوق معلولین

در ارتباط با عضویت ایران در این کنوانسیون و نحوه اجرای آن باید اشاره کرد که به طور کلی طبق تبصره ۲ قانون تصویب کنوانسیون حقوق معلولین ایران: «جمهوری اسلامی ایران خود را ملتزم به رعایت آن دسته از مفاد کنوانسیون که مغایر با موازین حقوقی جاری خود باشد نمی‌داند». این حق تحفظ می‌تواند نشانگر آن باشد که جمهوری اسلامی ایران در صدد اصلاح قوانین و نظام حقوقی خود در ارتباط با توان‌خواهان نخواهد بود و در صورت مغایرت قانون داخلی خود با کنوانسیون، مقررات کنوانسیون برای وی لازم الاجرا نمی‌باشد. طبق قواعد حقوق بین‌الملل این شروط نباید به قدری کلی باشد که

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

زمینه نقض آن معاهده توسط صاحب شرط را فراهم آورد. تعدادی از کشورهای عضو مانند فرانسه به حق شرط ایران اعتراض کردند و طبق کنوانسیون وین ۱۹۶۹ درصورتی که اعضا نسبت به شرط عضوی در معاهدات اعتراض کنند، مانع اجرای معاهده بین کشور شرط‌گذار و کشور معترض نمی‌شود. معترضان معتقد بودند که شرط ایران مغایر با هدف و موضوع کنوانسیون است؛ پس اصلاً قابلیت اجرایی ندارد و دولت ایران باید ملتزم به تمام مقررات کنوانسیون باشد. در نهایت باید گفت که طبق نظر کمیته حقوق معلولین تصمیم نهایی با دولت شرط‌گذار است حتی اگر ارگان ناظر این شرط را غیرمجاز بداند. اما شورای حقوق بشر، در صورت وجود شرطی غیرقابل پذیرش، دولت شرط‌گذار را بدون استفاده از تحفظ ملزم به اجرای کنوانسیون می‌کند (۲۸).

۳- مشکلات فنی و ساختاری

کودکان توان‌خواه ذهنی علاوه بر بهره‌مندی از آموزش ویژه، باید توسط معلمین متخصص نیز آموزش ببینند، در غیر این صورت به علت عدم داشتن تخصص لازم جهت آموزش این دسته از کودکان، تعلم آنان تقریباً غیرممکن خواهد شد و دسترسی آنان به حق بر آموزش مخدوش می‌شود.

کنوانسیون حقوق معلولین در بند ۴ از ماده ۲۴ در ارتباط با توان‌خواهان جسمی به طور خاص نابینایان مقرره‌ای برای داشتن معلم‌هایی با دانش خاص را بیان کرده است ولی در ارتباط با کودکان توان‌خواه ذهنی چنین صراحتی را ندارد. گرچه در قوانین عام از جمله قانون اساسی حق بر آموزش مورد تأکید بوده است و نیز در قانون حمایت از معلولان، اختلالات ذهنی و روانی در شمار تعریف فرد دارای معلولیت آورده شده و لهذا به طور صریح شرایط بهره‌مندی از قانون از جمله مزایای آموزشی و حرفه‌ورزی، برای این طیف نیز فراهم آمده است، ولی به نظر می‌رسد که در خصوص این قوانین، زیرساخت‌ها، امکانات و ضمانت اجرایی کافی با رعایت عدالت آموزشی قرار داده نشده است و با توجه به تعداد کودکان توان‌خواه ذهنی، ما شاهد وجود مدارس خاص با حضور

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

مربی آموزش دیده در تمام شهرها و مناطق کشور نمی‌باشیم و این خود می‌تواند مانع دسترسی کودک توان‌خواه ذهنی به آموزش باشد.

نتیجه گیری

آموزش در قلمرو مهم‌ترین حق‌های بشری محسوب شده و از آن جا که منجر به پیشرفت جامعه می‌گردد، در اسناد مهم بین المللی و داخلی به این حق اساسی اشاره شده است. کودکان توان‌خواه ذهنی نیز دارای شأن انسان بوده و تحت شمول قواعد مندرج در این اسناد قرار خواهند گرفت و حق بهره‌مندی از تمامی حقوق مصرح در این اسناد و قوانین ازجمله حق بر آموزش را خواهند داشت. این حقوق برای همه ابنای بشر به ما هُوَ بشر است. مزید بر آن، در اسناد بین‌المللی خاصی مانند کنوانسیون حقوق معلولین، بر حقوق افراد توان‌خواه با صراحت بیشتری تاکید می‌شود. هر چند به طور اخص در رابطه با کودکان توان‌خواه ذهنی نوعی از خلأهای تقنینی در فضای بین الملل و حقوق داخلی قابل لمس است. در ارتباط با حق بر آموزش، کودک توان‌خواه ذهنی ذی‌حق و دولت و جامعه مکلف بیان می‌شوند. آموزش این کودکان مستلزم تهیه وسایل و مقدماتی هم چون وسایل کمک آموزشی مناسب این کودکان، تربیت مربی متخصص، وجود مدارس خاص، فرهنگ‌سازی برای پذیرش این کودکان در جامعه و... می‌باشد. بطور کلی اسناد بین‌المللی و قوانین و مقررات داخلی در جهت تضمین حق بر آموزش کودکان توان‌خواه ذهنی، قواعدی را بیان کردند که البته دچار خلأها و کمبودهایی نیز می‌باشد. مهم‌ترین این موارد، عدم وجود قانون خاصی در زمینه حق بر آموزش کودکان توان‌خواه ذهنی است. با وجود چنین سندی، می‌توان از بخش قابل توجهی از مشکلات و تبعیض‌ها و غفلت‌های روا داشته در حق این کودکان کاست. پس شایسته است که جامعه بین‌المللی و دولت‌ها در این زمینه نیز اقدامات لازم را مبذول دارند تا شاید کودکان توان‌خواه ذهنی در سراسر دنیا بتوانند همانند سایر افراد، طعم زندگی و کرامت انسانی را بیشتر حس کنند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

References

1. Halahan D, Kafman J. Exceptional Children: Introduction to Special Education. translated by Mojtaba Javadian. Mashhad: Astan Qods Razavi; 2004. P.29.

2. Mehrpour H. Human rights in international documents and the position of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Ettelaat publisher; 1995. P.12. [Persian]

3. Beiter KD. The protection of the right to education by international law: Including a systematic analysis of article 13 of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. Martinus Nijhoff publisher; 2006. P.9.

4. Kamali M, Iran F. A review of the rights of children with disabilities. Social Welfare Quarterly. 2003; 2(2): 106-107. [Persian]

5. Ramezani MM. Protection of disabled Persons in international law. Social Welfare. 2011; 1(41): 314-319. [Persian]

6. Bigdeli M. The rights of children and child with disability in domestic and international law. Educational Science: Education of exceptional. 2006; 58: 28-33. [Persian]

7. Mosaffa N. International measures to protect the rights of people with disabilities. College of Law and Political Science, University of Tehran. 2002; 1(58): 255-285. [Persian]

8. Kariyon M. Prospects for the development of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights: translated by Mojtaba Javadian & Mohammad Habibi. Qom: Mofid University; 2008. P. 418. [Persian]

9. Rezaei A, Elsan M. Educational rights of children with disabilities in Iran: The necessity of keeping pace with international developments. Legal researches. 2008; 7(13): 221-236.

10. Ghari M. Human rights in the contemporary world: Analytical essays on rights and freedoms.Tehran: Shahr-e-Danesh Legal Studies and Research Institute; 2009. p.373. [Persian]

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

11. Pourasghar F. Millennium Development Goals and Sustainable Development Goals. Social, economic, scientific and cultural monthly magazine of work and society. 2015; 186: 7-46.

12. The United Nations Academic Impact (UNAI) Website: https://www.un.org/en/academicimpact

13. UNICEF. Every child learns: UNICEF education strategy 2019-2030. NY: UNICEF; 2019:23-36.

14. Naderi E, Naraghi M. Disabled Students. Tehran: Arasbaran; 2000. p.117-118. [Persian]

15. UNESCO. The Right to education for persons with disabilities. UNESCO; 2015. p.110-112.

16. World Health Organization. World report on disability 2011. World Health Organization; 2011. P.210.

17. Wright SL, Sigafoos J. Teachers and students without disabilities comment on the placement of students with special needs in regular classrooms at an Australian primary school. Australasian Journal of Special Education. 1997; 21(2): 67-80.

18. Samuel K, Galager J. Disability children's education. translated by Mohammad Javadian. Mashhad: Astan Qods Razavi; 2008. p.175-202.

19. Samuel K, Ervil J. Education of mentally retarded children. translated by Majid Mahdizade. Mashhad: Astan Qods Razavi. 1995. p.190.

20. Dominic R. Inclusive education for children from vulnerable families. New York: Uniceff Office; 2018. p.3-12.

21. Rabinson N, Rabinson H. Mentally retarded child. translated by Farhad Maher. Mashhad: Astan Qods Razavi; 1989. p.59.

22. Mirmohammadi M. Researches: child rights (The rights of children with disabilities). Qom: Mofid University; 2014. p.195. [Persian]

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

23. Sarton E, Smith M. The challenge of inclusion for children with disabilities–experiences of implementation in Eastern and Southern Africa. UNICEF Think Piece Series: Disability Inclusion; 2018. p.2.

24. Groce NE, Izutsu T, Reier S, Rinehart W, Temple B. Promoting sexual and reproductive health for persons with disabilities: WHO/UNFPA guidance note; 2009.

25. UNICEF. The state of the world's children: Children with disabilities. UNICEF; 2013. p.41.

26. Plan international and international solutions group: Let me decide and thrive project on the sexual and reproductive health and rights of girls and young women with disabilities. United Kingdom: Plan International; 2017.

27.Baakhtar A. Rights of the Disabled in Iranian laws. Tehran: Jungle publisher; 2009. p.116-117.

28. International Convention on the Rights of Persons with Disabilities and its implementation in Iran. Tehran: Shahr-e-Danesh Legal Studies and Research Institute; 2016. p.177-184.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]